



بررسی اندیشه حضرت امام درباره مقوله پیشرفت

پیشرفت واقعی در سایه مذهب میسر است

رضامحمدی فیروزجایی

بررسی اندیشه‌های امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) درباره مسئله پیشرفت را در این مقاله مورد بازخوانی قرار داده‌ایم.

اشاره

به اسلام و رو به خدا، صراط مستقیم، همان راه اسلام و خدا را طی کنید که صراط انسانیت است. راه همین است، راه مستقیم همین است.»

بزرگترین آرزوی من پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی ملت است
«بزرگترین آرزوی من این است که مردم ایران از چنگال ظلم نجات پیدا کنند و صاحب کشوری باشند آزاد و مستقل، دارای نظامی اسلامی که در آن حقوق انسان‌ها آن چنان که اسلام دستور داده است رعایت شود و در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی، سرمشق برای همه ملت‌ها باشند.»

الف - پیشرفت؛ لازمه حیات انسانی

به فکر پیشرفت باشید

«در فکر پیشرفت باشید، در فکر این باشید که به جلو بروید، برگردید به عقب. اگر انحطاط اخلاقی یا فکری حاصل بشود، این برگشت به عقب است و ارتجاع و اگر پیش بروید و با همان خلقی که در مبارزه برای شما پیدا شد و همان تحولی که در اول انقلاب برای شما پیدا شد و با همان تحول، بساط ظلم را به هم پیچیدید، انشاءالله رو به قرآن می‌روید و رو

با پیشرفت موافقیم

«با آثار تمدن و پیشرفت مخالف نیستیم»^۲

شهادت امام حسین برای پیشرفت دین بود

«ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهدا هم که کشته شد، نه این که رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، آن‌طور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد اسلام را زنده کند.»^۴

علت مخالفت با شاه، مخالفت او با پیشرفت مردم بود.

«من مخالف شاه هستم درست به دلیل آن که سیاست وی که وابسته به قدرت‌های خارجی است، پیشرفت مردم ما را در معرض خطر قرار می‌دهد. وقتی که شاه ادعا می‌کند که ایران را به مرز (تمدن بزرگ) می‌رساند، دروغ می‌گوید و این مطلب را بهانه قرار داده است تا ریشه استقلال مملکت را قطع کند و خون مردم را جاری سازد. کارگران کشاورزان، دانشجویان و کسبه، زنان و مردان علیه قدرت ارتجاعی و گذشته‌گرایی مبارزه کنند.»^۵

پیشرفت واقعی، پیشرفت در انسانیت است

«به روی پای خودتان بایستید و محکم و استوار با خدا باشید و سعی کنید تا قبل از هر پیشرفتی در انسانیت پیشرفت کنید، در این صورت خداوند ما را یاری خواهد کرد تا بتوانیم استقلال و آزادی و اسلام‌مان را حفظ کنیم.»^۶

پیشرفت واقعی در سایه مذهب میسر است

«مردم از این پیش‌روی مادی سر خورده‌اند و دیدند که تمام این پیشرفت‌هایی که شده است چیزهایی نیست که برای بشر آرامش بیاورد بلکه زندگی آن‌ها را بیشتر تباه کرده است، بیشتر این صنفاها به ضرر بشر بوده تا به نفع بشر. و آن چیزی که بشر طالب است این است که به روحش آرامش بدهد و آن چیزی که آرامش می‌آورد مذهب است از این جهت ممکن است که جاهای دیگر این احساس را کرده باشند، چنانچه ممالک ما این احساس را دارند که تنها در سایه مذهب است که بشر به آن آرامش روحی مطلوب می‌رسد چرا که در امور مادی این آرامش نیست، یک تحرکاتی است که منافی با آن آرامش است که بشر طالب است.»^۷

ب- نگاه اسلام به مقوله پیشرفت

اسلام یک مذهب ترقی خواه است

«ما وقتی از اسلام صحبت می‌کنیم به معنی پشت کردن به ترقی و پیشرفت نیست، بلکه برعکس به

عقیده ما اساساً اسلام یک مذهب ترقی خواه است ولی ما دشمنان رژیم‌هایی هستیم که تحت عنوان تجددخواهی، روش دیکتاتوری و ظلم را در پیش می‌گیرند، این رژیم‌ها مانند رژیم شاه ایران، با عمل خود پیشرفت‌های انجام شده را از هدف اصلی خود منحرف می‌کنند و آن‌ها را از چشم برداران و زنانی که می‌باید از آن‌ها استفاده کنند، می‌اندازند و خلاصه آن پیشرفت‌ها را بی‌مفهوم می‌کنند که مفهومی از آن‌ها ساقط می‌ماند و اما قبل از هر چیز معتقدیم که فشار و اختناق، وسیله‌ای برای دست یافتن به پیشرفت نیست.»^۸

اسلام با همه پیشرفت‌ها موافق است

«اسلام با همه ترقیات موافق است، با همه پیشرفت‌ها موافق است، اسلام برای پیشرفت آمده برای ترقی آمده»^۹

فرق پیشرفت با فساد

«ما پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند نه.»^{۱۰}

قرآن روش ترقی انسان است

«اسلام دین ترقی است، قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است.»^{۱۱}

تاکید اسلام بر تمدن و پیشرفت و نوآوری

مفید

«اسلامی که بیشترین تأکید خود را بر (اندیشه) و (فکر) قرار داده است و انسان را به بازسازی از همه خرافات و اسارت قدرت‌های ارتجاعی و ضدانسانی دعوت می‌کند، چگونه ممکن است با تمدن و پیشرفت و نوآوری مفید بشر که حاصل تجربه‌های اوست سازگار نباشد؟!»^{۱۲}

اسلام؛ تنها مکتب پیشرفت دهنده جامعه

«ما معتقدیم تنها مکتبی که می‌تواند جامعه را هدایت کند و پیش ببرد، اسلام است و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند، انسان‌گونه، باید به اسلام روی بیاورد.»^{۱۳}

توجه به معنویات

«مقصد اسلام خانه نیست، مقصد بالاتر دارد و همه چیز در آن هست ... و توجه به جهات معنوی بالاتر از توجه به جهات مادی است.»^{۱۴}



ملت ایران با داشتن

مکتبی مترقی چون

اسلام، دلیلی ندارد که

برای پیشرفت و تعالی

خود از الگوهای غربی و

یا کشورهای کمونیست

تقلید کند.

از نگاه اسلام، پیشرفت یعنی تعدیل

«اسلام تعدیل می‌خواهد نه جلوی سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه آن‌طور بشود که یکی صدها میلیون دلار داشته باشد و برای سگش هم اتومبیل داشته باشد و شوهر داشته باشد و امثال ذلک، و این یکی شب که برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد نمی‌شود. این عملی نیست، نه اسلام با این موافق است نه هیچ انسانی با این موافق است.»^{۱۵}

ج- راههای تحقق پیشرفت

۱- عمل به احکام الهی

«اگر همه عامل باشیم به احکام خدا و علاقه داشته باشیم به اسلام، مملکتمان پیروز خواهد شد و به پیشرفت خواهد رفت.»^{۱۶}

۲- اتکال به خدا

«ما امیدمان به خداست و مایوس از خدا نیستیم و بر مشکلات به امید خدا غلبه می‌کنیم و به مادیات این نظر را نداریم. غلبه را با مادیات نمی‌دانیم، غلبه با معنویات است و ما دامی که شعب ما به خدای تبارک و تعالی اتکال بکنند پیشرفت خواهند کرد و اگر خدای نخواستند انحراف پیدا شد زوال برای همه هست.»^{۱۷}

۳- اسلام و حکومت اسلامی

«اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستم‌گری‌ها و چپاول‌گری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شؤون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.»^{۱۸}

۴- خودساختگی

«اگر بخواهید پیشرفت بکنید و همه چیزتان انشاءالله اسلامی بشود و پیروزی نظیر پیروزی‌های صدر اسلام بشود، کاری بکنید که خودتان هم ساخته بشوید.»^{۱۹}

۵- علم و ادب

«شما جوانان عزیز را که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم بردارید و به علم و ادب که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است اشتغال پیدا کنید.»^{۲۰}

۶- خود انکابی

«بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دربوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه، پس از تحریم اقتصادی همان‌ها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مایوس

می‌نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.»^{۲۱}

۷- خروج از وابستگی

«ملت ما الان باز هم غریزه هست، و تا از زیر بار این در نیاید و تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود، رشد حقیقی پیدا نمی‌شود و شما نمی‌توانید مستقل بشوید، شما اگر بخواهید از همه وابستگی‌ها خارج بشوید، اول این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید، گمان نکنید که هر چه آن‌ها دارند خوب هست، اگر یکی فرض کنید که یک پیشرفتی داشته باشد در صنعت، این دلیل این نیست که پیشرفت دارد در فرهنگ، گاهی اشتباهات مال همین جاهل‌هاست که آن‌ها مثلاً فرض کنید فلان طیاره را درست می‌کند به خورد ما اینطور می‌دهند که همه چیزش اینطوری است و حال آنکه نیست اینطور، فرهنگشان مثل فرهنگ ما نیست، علم حقوقشان مثل ما نیست، علومشان مثل ما نیست، علم فلسفه‌شان مثل ما نیست، طب هم از شرق اخذ کرده‌اند. کتب شرقی در دانشگاه‌های آنجا تا آن اواخر، شاید حالا هم باشد تدریس می‌شده است، ما اگر بخواهیم از این بیچارگی بیرون برویم، باید این وابستگی مغزی را کنار بگذاریم، باید دانشگاه‌های ما یک دانشگاه‌هایی باشد که تا مدت‌ها زحمت بکشند این جوان‌ها را از آن حال سابق رژیم شاهنشاهی برگرداند به یک حال سالم رژیم اسلامی. باید زحمت بکشند، جوان‌های ما هم باید جدیت کنند در این معنا که خودشان را گم کردند، پیدا بکنند، تا اسم غرب می‌آید، خودشان را نبازند.»^{۲۲}

۸- وحدت کلمه

«تا این وحدت کلمه نباشد و تا توجه به اسلام نباشد نمی‌توانیم پیشرفت بکنیم.»^{۲۳}
«و من امیدوارم که با وحدت کلمه- شما برادرها- و با اینکه قصدتان را برای اسلام خالص کنید، پیشرفت خواهید کرد.»^{۲۴}
«همه باید مَعْتَصِم بحبل الله باشند؛ با اعتصام بحبل الله پیشرفت کردیم و خواهیم کرد.»^{۲۵}

«همه به طور کلی می‌دانیم که تا کنون با وحدت کلمه و توجه به اسلام به اینجا رسیدیم؛ و می‌دانیم که تا این وحدت کلمه نباشد، و تا توجه به اسلام نباشد، نمی‌توانیم پیشرفت کنیم.»^{۲۶}
«اساس پیشرفت شما ملت عزیز، تعهد به اسلام و وحدت کلمه است.»^{۲۷}

۹- نقش دانشگاه

«حفظ کنید این مملکت را، ترقیات مملکت به هفده دی (روز کشف حجاب) نیست، ترقی مملکت به دانشگاه است.»^{۲۸}

د- پیشرفت غرب؛ سراب یا واقعیت

القاء نادرست پیشرفت در غرب

«از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می‌دارد تبلیغات همه جانبه‌ای است که غریزدگان و شرفزدگان یا به امر ابرقدرت‌ها یا کوتاه نظری

خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.^{۳۲}

نیازی به الگوی غربی نداریم

«ملت ایران با داشتن مکتبی مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی و یا کشورهای کمونیست تقلید کند.»^{۳۳}

به اسم «پیشرفت» نابودمان کردند!

«الآن مشکلات ما خیلی زیاد است ... مملکت ما را غارت کردند. همه آثار تمدن را اینها واژگونه در این مملکت پیاده کردند، با اسم «تمدن بزرگ» فرهنگ ما را عقب زدند، و به اسم «پیشرفت» کشاورزی ما را بکلی از بین بردند، و به اسم «آزادی» آزادیهای تمام مطبوعات ما و مجال تبلیغاتی ما را مختنق کردند. و یک مملکت آشفته‌ای الآن به ارث به ما رسیده است که همه جای آن خراب است و باید از سر، از نو ساخت.»^{۳۴}

پیشرفت غربی را نمی‌خواهیم

«ما این پیشرفت و تمدنی که دستمان پیش اجانب دراز باشد را نمی‌خواهیم، ما تمدنی را می‌خواهیم که برپایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه صلح را حفظ نماید.»^{۳۵}

با نگاه به غرب به پیشرفت نمی‌رسیم

«شما گمان نکنید که از غرب برای ما یک تحفه‌ای می‌آورند. شما گمان نکنید که از غرب برای ما چیزی می‌آورند که ما را مترقی کنند، ترقی به ما بدهند. غرب تا ما را در سطح پایین نگه ندارد، نمی‌تواند از ما استفاده کند. کوشش آنها این است که ماه‌ها، این ممالک اسلامی، این ممالک مستضعف در یک سطح پایینی از همه امور باشیم. هر امری را که آنها برای ما بیاورند؛ یک امر استعماری است؛ یعنی اگر طب را برای ما بیاورند طب استعماری است. اگر دارو برای ما صادر کنند آن هم استعماری است. اگر دانشگاه برای ما بخواهند درست کنند آن هم دانشگاه استعماری است. همه چیز را آنها می‌خواهند به طوری درست کنند که برای خودشان نافع باشد. و ما چشم و گوش بسته تسلیم آنها باشیم.»^{۳۶}

پیشرفت غرب یعنی آدم‌کشی!

«من حکومت‌ها را می‌گویم، ملت‌ها را نمی‌گویم. حکومت‌ها و پرورش‌هایی که در حکومت هست، حکومت‌های انسانی نیست. غرب پیشرفت کرده در

خود در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است و آنان خصوصا غربی‌ها و اخیرا آمریکایی‌ها نژاد برتر هستند و دیگران نژاد پست و ناقص هستند و ترقی آنان در اثر والانژادی آنان است و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است و به تعبیر دیگر آنان انسان‌های تکامل یافته هستند و اینان در حال تکامل که پس از میلیون‌ها سال به تکامل نسبی می‌رسند. پس کوشش برای پیشرفت بی فایده است و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه‌داری غرب باشند و یا کمونیسم شرق، و به بیان دیگر ما از خود هیچ نداریم و باید همه چیز را از ابرقدرت‌های غرب یا شرق بگیریم، علم را، تمدن را، قانون را، و پیشرفت را. و شما امروز سیاه ما را می‌بینید، که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده‌اند هر چیز اگر چه ممتاز باشد و از خودی باشد به همین جرم مشتری‌اش کم است و همین را اگر اسم غربی به آن بگذارند مشتری زیاد پیدا می‌کند.»^{۳۷}

از پیشرفت خارجی‌ها بت‌نسازی!

«مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هويت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم. ان شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.»^{۳۸}

از دیگران چیزی کم نداریم

«بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید، به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمیل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب. و بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین

ما این پیشرفت و تمدنی
که دستمان پیش
اجانب دراز باشد را
نمی‌خواهیم، ما تمدنی
را می‌خواهیم که بر پایه
شرافت و انسانیت استوار
باشد و بر این پایه صلح را
حفظ نماید.

اینکه حیوان تربیت کرده، آلات قتاله درست کرده. در روزنامه دیشب یا پریشب بود که یک چیزی درست کرده‌اند که پنج مرتبه بالاتر از آنی است که در آن جنگ روی ژاپن ریختند. کار غرب این است یک همچو چیزی درست کند برای آدمکشی. و این افتخاری است که دویست هزار نفر را در یک شهر، یک بمب کشت، این پیشرفت غرب است، ما باورمان آمده است که همه چیزها در غرب است، خیر، آن چیزی که در غرب است تربیت حیوان درنده است، حیوان درنده دارند درست می‌کنند. الانی هم که درست می‌کنند، همان چنگ و دندان حیوان درنده است منتها به صدها هزار مرتبه بالاتر.^{۳۶}

پیشرفت مادی و نه معنوی

«شما گمان نکنید که غربی‌ها پیشرفت کرده‌اند، غربی‌ها در جهات مادی پیشرفت کرده‌اند لکن معنویات ندارند. اسلام و همین طور مکتب‌های توحیدی، اینها انسان می‌خواهند درست کنند و غرب از این معنی بکلی برکنار است، غرب مواد طبیعت را کشف کرده است و قوای طبیعت را کشف کرده است و آنهم بر ضد انسان این قوا را به کار می‌برد، برای هدم انسانیت، برای هدم شهرهای ممالک. چنانچه که می‌بینید که هر یک از این کشورها که به اصطلاح پیشرفته‌تر هستند بیشتر انسان‌ها را در فشار قرار می‌دهند. ما یک مملکت پیشرفته به اصطلاح خودشان که عبارت از امریکاست، گرفتار آن بودیم و الان هم ممالک بسیار گرفتار همین مملکت پیشرفته هستند. آن چیزهایی که آنها پیشبرد کردند، بر ضد مقصد انسانیت به کار می‌برند و آدمخواری را در عالم ترویج می‌کنند، جنگ و جدال را در عالم ترویج می‌کنند، پیشرفت‌ها برای پیشرفت جنگ و پیشرفت آدمکشی است.»^{۳۷}

پیشرفت حیوانی و نه انسانی

«غرب پیشرفت‌هایی که دارد، پیشرفت‌های مادی دارد و دنیا را به صورت یک جنگنده، به صورت یک وحشی بار می‌آورد. تربیت غرب انسان را از انسانیت خودش خلع کرده، به جای او یک حیوان آدمکش گذاشته است. الان شما در هر جای دنیا که ملاحظه کنید، الان هم که یک آرامشی فرض کنید که در دنیا هست و جنگ عمومی نیست، در هر مملکتی می‌بینید با دخالت همین آمریکا و با دخالت همین شوروی آدمکشی هست. افغانستان الان آدمکشی است به دخالت شوروی، در بسیاری از جاها، لبنان هم آدمکشی است به دخالت آمریکا. غرب حیوان بار می‌آورد آن هم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی، آدمکش، آدمخوار، پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست، پیشرفت حیوانی است، تربیت انسانی نیست. در غرب، تربیت حیوانی است. من حکومت‌ها را می‌گویم، ملت‌ها را نمی‌گویم. حکومت‌ها و پرورش‌هایی که در حکومت هست، حکومت‌های انسانی نیست. غرب پیشرفت کرده در اینکه حیوان تربیت کرده، آلات قتاله درست کرده. در روزنامه دیشب یا پریشب بود که یک چیزی درست کرده‌اند که پنج مرتبه بالاتر از آنی است که در آن جنگ روی ژاپن ریختند. کار غرب این است یک همچو چیزی درست کند برای آدمکشی. و این افتخاری است که دویست هزار نفر را در یک شهر، یک بمب کشت، این پیشرفت غرب است، ما باورمان آمده است که همه چیزها در غرب است، خیر، آن چیزی که در غرب است تربیت حیوان درنده است، حیوان درنده دارند درست می‌کنند. الانی هم که درست می‌کنند، همان چنگ و دندان حیوان درنده است منتها به صدها هزار مرتبه بالاتر.»^{۳۸}



- ۱- همان، ج ۱۲، ص ۱۳۱
- ۲- همان، ج ۴، ص ۲۱۶
- ۳- همان، ج ۵ - ص ۵۳۴
- ۴- همان، ج ۸، ص ۷۱
- ۵- همان، ج ۲، ص ۴۳
- ۶- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۱۰
- ۷- همان، ج ۱۰، ص ۱۷۰
- ۸- همان، ج ۲، ص
- ۹- ۱۵۸ همان، ج ۵، ص ۱۳۸
- ۱۰- همان، ج ۳، ص ۱۵۹
- ۱۱- همان، جلد ۴ - ص ۱۵۹
- ۱۲- همان، ج ۴، ص ۱۸۹
- ۱۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۹
- ۱۴- همان، ج ۱۰، ص ۲۷۵ و ۲۷۶
- ۱۵- امام خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۲۵۸-۲۶۰.
- ۱۶- همان، ج ۶، ص ۲۴۷
- ۱۷- همان، ج ۵، ص ۹۵
- ۱۸- همان، ج ۲۱، ص ۱۷۶
- ۱۹- همان، ج ۹، ص ۱۵
- ۲۰- همان، ج ۹، ص ۱۸۶
- ۲۱- همان، ج ۲۱، ص ۱۹۴.
- ۲۲- همان، ج ۱۱، ص ۱۸۴
- ۲۳- همان، ج ۶، ص ۲۰۸
- ۲۴- همان، ج ۶ - ص ۳۸۸
- ۲۵- همان، ج ۷ - ص ۹۹
- ۲۶- همان، ج ۷ - ص ۳۶۴
- ۲۷- همان، ج ۱۵، ص ۲۷۱
- ۲۸- صحیفه نور، ج ۱ - ص ۱۱۷
- ۲۹- همان، ج ۱۸، ص ۸۹
- ۳۰- همان، ج ۲۱، ص ۹۶
- ۳۱- همان، ج ۲۱، ص ۴۱۷
- ۳۲- همان، ج ۳، ص ۱۵۸
- ۳۳- همان، ج ۶ - ص ۱۷۸
- ۳۴- همان، ج ۱۵، ص ۲۰۹
- ۳۵- همان، ج ۱۳، ص ۳۷۲-۳۷۱.
- ۳۶- همان، ج ۷، ص ۸۳
- ۳۷- همان، ج ۷، ص ۸۰
- ۳۸- همان، ج ۷، ص ۸۲-۸۳